

در این نوشتار به بررسی علل افت تحصیلی دانش آموزان به طور کلی، به ویژه فلسفه و منطق در کلاس حضوری و غیر حضور پرداخته شده است که حاصل بررسی میدانی و مصاحبه و تبادل نظر با مدرسان فلسفه و منطق می باشد.

افت تحصیلی یک مفهوم کلی است که باید به بخش های مختلف تقسیم شود. در مفهوم عام شامل جنبه های مختلف شکست تحصیلی بوده و منظور از آن کاهش عملکرد تحصیلی دانش آموزان از سطحی رضایت بخش به سطحی نامطلوب است. عوامل متعددی در افت تحصیلی دانش آموزان با رویکرد بررسی دروس فلسفه و منطق دخیل هستند که به برخی از آنها با در نظرگرفتن شرایط کرونایی در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ اشاره می شود.

۱- نظام و ساختار آموزشی:

۱-۱. کلاس درس:

الف: کلاس درس حضوری:

۱. بافت قدیمی اکثر مدارس و کلاس ها و چیدمان آنها
۲. نبود امکانات مورد نیاز متناسب با تدریس در بیشتر مدارس
۳. تراکم بالای دانش آموزان در کلاسهای شهری و عدم امکان تعامل مفید بین دبیر و دانش آموزان.

ب: کلاس درس غیر حضوری:

۱. نبود فرهنگ استفاده از فضای مجازی و امکانات استفاده از آنها
۲. نبود امکانات مورد نیاز متناسب با تدریس در برنامه های کاربردی مثل شاد و غیره
۳. مشکل کنترل حضور مجازی و حضور ذهنی دانش آموزان در شبکه های مجازی

۱-۲. مدرسه:

الف- محیط مدرسه:

محیط مدرسه باید با توجه به دوره سنی دانش آموزان و مکان آموزش طراحی و برنامه ریزی شود و به رنگ ها و تصاویر و نوشته های طراحی شده در روی دیوارها و بولتن ها و ... دقت گردد، بطوریکه انگیزه و سرزندگی و حرکت به جلو را در دبیران و دانش آموزان به وجود آورده و محیطی شاد و فعال باشد. و حداکثر امکانات مدرسه و منابع مالی آن به ویژه در مدارس غیر دولتی بکار گرفته شود تا از این طریق دبیران به آن مدرسه تعلق خاطر پیدا کرده و تمام تلاش خود را در پیشبرد اهداف آن بکار گیرند.

ب- اختلاف فاحش مدارس با یکدیگر در داشتن امکانات و شرایط ایجاد شده در آنها و کمبود امکانات در بیشتر مدارس با توجه به انتظاراتی که در دانش آموزان ایجاد شده است. مثل ابزار پخش و وسایل نوشتاری و ...

ج- عوامل اجرایی مدرسه:

عوامل اجرایی مدرسه به ویژه مدیر محترم نقش اساسی را در امنیت روانی دبیران و دانش آموزان ایفا می کنند؛ با توجه به تأثیر اساسی این امر در آموزش و پرورش باید دقت کافی در این زمینه صورت گرفته و نحوه برخوردها سنجیده باشد و سعی شود با تعامل سازنده با تک تک دبیران و اولیاء و اداره تصمیم مقتضی عملی گردد و حداقل ماهی یکبار وضعیت تحصیلی دانش آموزان رصد شده و راهکارهای مناسب با مشورت معلم و اولیاء و اداره برای جبران افت تحصیلی اتخاذ گردد. مثل برگزاری کلاس های تقویتی، تهیه جزوه و کتاب، تجهیز کتابخانه مدرسه و ترغیب دانش آموزان به بهره مندی از کتاب های آن، هدایت دانش آموزان به مشاوره و ...

د: موقعیت مکانی مدرسه

بعضی از مدارس ما در مناطق محروم قرار گرفته و دانش آموزان آن مدارس بنا بر سطح علمی و فرهنگی و اقتصادی خانوارها در سطح مطلوبی نیستند، لذا نیاز است به این مدارس توجه لازم شده و دبیران توانمند و برنامه های تقویتی و دوره های فرهنگی و آموزشی متنوع در این مدارس به کار گرفته شوند.

س: عدم نظارت کافی بر عملکرد مدارس غیر انتفاعی

برخی از مدارس برای سود دهی بیشتر یا الزاماً فرار از ورشکستگی مجبور به استفاده از دبیران غیر متخصص می شوند که نه دوره ای گذرانده اند و نه حاضر به گذراندن دوره ای هستند و یا در صورت بکارگیری دبیران متخصص، حقوق لازم و کافی

پرداخت نمی شود در اینگونه مدارس ضعف و افت چشمگیری در درس فلسفه و منطق دیده می شود. بنابراین نیاز است که بر عملکرد این مدارس نظارت کافی شده و دبیران آن سازماندهی شوند.

ش. تفکیک مدارس به استعدادهای درخشان، نمونه، شاهد و ...

تفکیک مدارس به استعدادهای درخشان، نمونه، شاهد سبب شده به اکثر مدارس دولتی، به ویژه مدارس واقع در مناطق محروم و حاشیه شهر، دانش آموزان متوسط و متوسط به پایین مراجعه کنند و این باعث تشدید افت تحصیلی دانش آموزان می شود. علاوه بر آن، ضعف دانش آموزان به طور ناخواسته انگیزه های دبیران را نیز نشانه می رود و تاثیرات مخرب موجود را تقویت می کند.

۱-۳. ادارات آموزش و پرورش و سازمان های بالا دستی:

نیاز است ادارات آموزش و پرورش و سازمان های بالادستی تعامل سازنده و فعال با مدارس داشته و نیازها و مشکلات مدارس را در اسرع وقت حل نمایند، به ویژه اینکه با توجه به کمبود نیروی متخصص در دروس فلسفه و منطق در دانشگاه های فرهنگیان به تربیت دبیران این دروس اقدام نمایند. و ادارات در انتخاب معلم ها با توجه به شرایط و مقتضیات مدرسه نهایت دقت را مبذول داشته و تمام سعی خود را در تخصیص دبیر تخصصی و در صورت نداشتن دبیر متخصص حداقل دبیر مرتبط مبذول دارند.

۲- کتب درسی فلسفه و منطق:

۱-۲. کیفیت و محتوی کتب درسی:

محتوا و مطالب دروس فلسفه و منطق؛ به ویژه فلسفه بیشتر انتزاعی بوده و نیازمند کار بیشتر، تصویرسازی، عملی کردن موضوع، اجرای نمایش و داستان گویی است که با در نظر گرفتن تاثیر مخرب فضای مجازی بر تفکر فرضیه سازی دانش آموزان بیشتر احساس می شود؛ ولی متأسفانه در این دروس ساعات تخصیص یافته با محتوای کتاب ها و میزان مطالب همخوانی ندارد در نتیجه بجاست که یا از حجم مطالب کم شده و یا وقت کافی برای تدریس این دروس در نظر گرفته شود و نیز دبیران کتب درسی در امر تدوین کتاب های درسی نقش اساسی ایفا کرده و دیدگاه های آنها مورد عنایت جدی قرار بگیرند. از طرفی دیگر برخی کلمات و عبارتها در کتاب درسی فلسفه وجود دارد که پیچیده و غامض بوده و غیر قابل فهم برای دانش آموزان است و همین باعث می شود دانش آموزان علاقه کمتری به خوانش این درس داشته باشند، چون احساس می کنند مطالب را با وجود چنین عبارت های ثقیلی یاد نمی گیرند.

برخی مطالبی که در کتاب فلسفه به کار رفته، به جای این که معرّف باشند خود معرّف شده و نیاز به توضیح دارند در صورتی که اگر مفاهیم با زبان ساده و قابل فهم و متناسب با سطح علمی دانش آموزان بیان شود علاقه و رغبتی مضاعف برای مطالعه فلسفه را در بین فراگیران ایجاد می کند؛ از رو پیشنهاد می شود یک بازنگری کامل در سبک نوشتاری درس فلسفه انجام گیرد.

۲-۲. کمیت کتب درسی:

همانطوریکه بیان شد در این زمینه متأسفانه ساعات درسی فلسفه و منطق با محتوای سنگین و انتزاعی بودن مطالب آنها همخوانی ندارد؛ چرا که هدف اصلی تألیف کتب درسی فلسفه و منطق به همراه آموزش اصصلاحات و نظریه های مختلف اندیشمندان و فیلسوفان، یاد دادن و تمرین خردورزی و تعقل به دانش آموزان است و این با عنایت به نداشتن زمینه قبلی دانش آموزان - (فلسفه و منطق فقط در دوره دوم متوسطه دوم تدریس می شوند) - و هدایت تحصیلی آنها که معمولاً دانش آموزان ضعیف به این حوزه وارد می شوند عملاً شدنی نیست. برای جبران ضعف در این زمینه حداقل هفته ای ۳ ساعت برای تدریس درس فلسفه و منطق لازم بوده و نیاز است دروس فلسفه و منطق مثل کشورهای دیگر در دوره های تحصیلی قبلی دانش آموزان نیز گنجانده شود.

۲-۳. تغییر مداوم کتب فلسفه و منطق:

تغییر مداوم کتاب های درسی فلسفه و منطق و عدم برگزاری دوره های ضمن خدمت مورد نیاز دبیران این حوزه را - بیشترشان غیرتخصصی هستند - دچار سردرگمی گرفته و توانایی های لازم در تدریس را کم کرده است؛ بنابراین ضروری است که تصمیم گیرندگان این حوزه به این امر مهم توجه کافی نمایند.

۲-۴. عدم اعمال نظرات دبیران فلسفه و منطق در کنکور:

از عوامل بسیار مهم سردرگمی دانش آموزان و علل افت آنها، عدم برگزاری کنکور سراسری توسط آموزش و پرورش است. عدم هماهنگی در این زمینه بخصوص اهدافی که در برگزاری کنکور و کلاس های کنکوری دنبال می شود سبب سردرگمی دانش آموزان و افت تحصیلی آنها، به ویژه پایه دوازدهمی ها شده و تأثیر خود را در امتحانات نهایی نشان می دهد. دانش آموزان سردرگمند در اینکه برای کنکور درس بخوانند و یا برای امتحانات نهایی؛ چون معمولاً روش و نحوه آموزش با توجه به اهدافی که در این دو حیطه دنبال می شود، متفاوت بوده و سؤالات آنها با هم فرق دارند. بنابراین ضروری است که هماهنگی های لازم

بین آموزش و پرورش و سازمان سنجش در این زمینه صورت بگیرد تا کنکوری که غالباً شکل تجاری به خود گرفته است اهداف تعلیم و تربیت را که این همه زحمت و بودجه برایش صرف می شود تا فرزندان در خور و شایسته برای این مرز و بوم تربیت شود، به تاراج نبرد.

۳- معلمان و دبیران درس فلسفه و منطق

۱-۳. دغدغه فکری و مالی معلمان آموزش و پرورش:

دغدغه مالی معلمان آموزش و پرورش عامل مهمی در افت تحصیلی دانش آموزان است. اکثر معلمان ناچارند برای تامین معاش خانه و خانواده خود کارهای دیگری هم انجام دهند. تعلیم و تربیت امری مستمر و مداوم است لذا معلمی که سکان دار، معمار، فرمانده، نگهبان، هنرمند و روانشناس این امر است باید به صورت مستمر و مداوم در خدمت آموزش و پرورش باشد برای این امر لازم و ضروری است که همیشه خود را به روز کرده و توانمند سازد تا بتواند در خط مقدم جنگ فرهنگی سربازان خود یعنی دانش آموزان و در نتیجه جامعه را هدایت کند. پیشرفت تمام تمدن ها- ایران و یونان باستان، اسلام، روم و دیگر تمدن ها- از آن زمانی شروع شده است که به تعلیم و تربیت بها داده اند و این امر جزء با حل مشکلات معلمان اتفاق نمی افتد. تا زمانی که مشکلات معلم حل نشود هر چه در زمینه تعلیم و تربیت و فرهنگ خرج گردد راه بجایی نخواهد برد. در واقع هزینه کردن برای معلم، هزینه کردن برای کشور در تمام زمینه ها است؛ کشورهایی که برای آموزش و پرورش خود هزینه کرده اند در تمام زمینه ها پیشرفت چشمگیری دارند؛ در آن کشورها دیگر هزینه های جانبی کلانی برای درمان بیماری ها، دادخواهی ها، زندان ها، مدیریت ها و ... صرف نمی شود. معلم باید با خیال راحت و با فراغ خاطر به امر آموزش بپردازد و گرنه مشغله های ذهنی او اجازه نخواهد داد تلاش های او نتیجه چشمگیری داشته باشد.

۲-۳. از دست رفتن نقش الگویی معلمان:

در گذشته دانش آموزان بیشتر معلمان خود را الگو قرار می دادند و این عاملی بود برای درس خواندن و تلاش آنها. ولی الان به دلایل مختلفی، از جمله وضعیت مالی معلمان که پیامدهای محسوسی در این زمینه داشته است، بجای معلمان بنگاه داران و دلالان و ... الگو هستند که مشغول شدن به آنها و پیشرفت در آن زمینه ها ارتباط چندانی با یادگیری و مطالب درسی ارائه شده در مدارس ندارد؛ لذا ضروری است که جایگاه اصلی معلمان به آنها برگردانده شود تا بتوانند نقش خود را به عنوان الگوی فرهنگی و آموزشی در این زمینه ایفا کنند.

۳-۳. غیر تخصصی و گاه‌ها عدم توانمند بودن دبیران:

تخصص و توانمندی در زمینه تعلیم و تربیت که نیازمند شایستگی در زمینه های مختلفی همچون تخصص در رشته تدریس و کلاس‌داری و ارتباط با دانش آموزان و آشنایی با فضای های مجازی و ... نقش حیاتی دارد؛ ولی گاهی بنا به دلایلی از جمله عدم وجود دبیران متخصص و نبود وقت و انگیزه ی دبیران متخصص - بخاطر چند شغله بودن برای گذران زندگی - در بروز کردن خود، این نقش حیاتی به درستی ایفا نشده و عاملی می شود برای افت تحصیلی دانش آموزان که این امر در زمینه دروس فلسفه و منطق بسیار مشهود است؛ بنابراین نیاز است از طریق تربیت دبیران فلسفه و منطق در دانشگاه های فرهنگیان و برگزاری دوره های ضمن خدمت و ملزم کردن دبیران چه رسمی و چه غیر رسمی و بازنشسته این ضرورت برطرف گردد. و گواهی معتبر ضمن خدمت تخصصی در رابطه با کتاب های فلسفه و منطق از مدرسان غیر رسمی در بدو ورود به تدریس و بازنشسته هایی که از تدریس فاصله گرفته اند و می خواهند تدریس کنند، درخواست گردد.

۳-۴. به کارگیری روش های سنتی تدریس :

بهتر است از روش های جدید تعلیم و تربیت از جمله روش معکوس، روش پرسش و پاسخ، ایفای نقش، بحث گروهی و ... که مبتنی بر مشارکت و درگیری دانش آموزان در امر آموزشند، در امر آموزش فلسفه و منطق استفاده شود و آموزش چهره به چهره بعضی از دانش آموزان مد نظر باشد و نیز به دانش آموزان در امر آموزش مسئولیت داده شود تا آنها در تهیه پوستر و خلاصه نویسی درس و طراحی آزمون و ... فعال باشند و البته نتیجه کارشان را ببینند. تحقیقات نشان داده است تغییر دادن روش ها و ابزارهای آموزشی می تواند سطح یادآوری اطلاعات و حافظه را تا حد زیادی ارتقا داده و مهارت یادگیری را بیشتر کند. هرم یادگیری نشان می دهد که اکثر دانش آموزان فقط ۱۰ درصد از آن چه که از کتاب های درسی می خوانند را بخاطر می آورند، اما تقریباً ۹۰ درصد آن چه که از طریق آموزش به دیگران یاد می گیرند را حفظ می کنند.



برای تحقق این امر ضروری است که آموزش های لازم برای توانمند سازی مدرسان اعم از رسمی و غیر رسمی و بازنشسته، به ویژه راه هایی بکارگیری آن در حوزه مجازی داده شود و کوتاهی نهادهای متولی که در دوران کرونا دبیران را در آموزش در فضاهای مجازی تنها و بدون امکانات گذاشتند و بستر لازم را فراهم نکردند جبران گردد. تا از این طریق مدرسان با نحوه استفاده از فضای های مجازی و نحوه و روش های مختلف تدریس آشنا شده و با بکارگیری آنها نتیجه مطلوب را از آموزش خود بدست آورند.

۴-۴. نداشتن برنامه و طرح درس مناسب تدریس:

کنار گذاشتن کتاب درسی و اهداف و برنامه های آن در برخی کلاس ها (به ویژه در کلاس های مجازی) و استفاده از جزوه گویی و نمونه تدریس دبیران دیگر به ویژه در فضای مجازی و عدم برگزاری آزمون های منظم و شبه نهایی به ویژه از سوی مدرسان غیر رسمی و بازنشسته -استفاده از مطالب و نمونه تدریس های دبیران دیگر اگر به همراه تدریس خود معلم باشد خوب است ولی گاهی فقط از آن ها استفاده می شود- دانش آموزان را به بیراهه هدایت می کند. بهتر است دبیران ضمن تدریس فعال در کلاس درس، داشتن طرح درس در کلاس اعم از مجازی و حقیقی، شناسایی دانش آموزان لازم التوجه، برگزاری کلاسهای تقویتی، حل تمرین و توجه ویژه به محتوای کتاب های درسی، و استفاده از تصاویر و مثال های حل شده کتاب جهت تعمیق فهم دانش آموزان، با بکارگیری پرسش های آغازین و تکوینی و تراکمی، مرور دروس قبلی و ایجاد ارتباط درس جدید با دروس قبلی توجه داشته و برای حفظ دانش آموزان در کلاس درس از مشارکت آنها استفاده کرده و آنها را مجبور به ایفای نقش نمایند و از روش های مختلف برای اطمینان از حضورشان استفاده کنند. و ضمن برگزاری آزمون های مستمر و با برنامه منظم با همکاری مدیر مدرسه ، به استاندارد بودن سؤالات و استفاده از سؤالات شبه نهایی و رعایت حیطه های شناختی در طراحی سؤالات امتحانی حتی در پایه های دهم و یازدهم دقت لازم و کافی را داشته باشند.

۴-۵. حضور کم دبیران تخصصی فلسفه و منطق در حوزه های اصلاح فلسفه و منطق:

سخت گیری مصححان اوراق امتحان نهایی فلسفه از جمله علل پایین بودن نمرات و درصد قبولی درس فلسفه است که یکی از عوامل این سخت گیری اصلاح دبیران غیر تخصصی است که در سؤالات با پاسخ های مفهومی و جایگزین بیشتر خود را نشان می دهد؛ بنابراین بجاست که زمینه حضور دبیران تخصصی فلسفه و منطق با پرداخت بموقع و مناسب حق الزحمه آنها فراهم گردد.

۴-۶. عدم همبستگی و ارتباط مدرسان فلسفه و منطق با یکدیگر

بالطبع عقل جمعی کارآمد تر از عقل فردی در حل مسائل است و سنجش و چکش کاری اندیشمندان دیگر همچون آینه اشکالات و کمبودهای تدریس مدرسان را برای یکدیگر نمایان می کند؛ ولی متأسفانه از این جهت ارتباط چندانی بین مدرسان وجود ندارد و این امر در گروههای آموزش مجازی و جلسات گروهها در فضای حقیقی کاملاً مشهود است و در بسیاری از گروههای درسی برخلاف عنوان گروه می بینیم که تنها سرگروه های درسی هستند که مشکلات و حل موارد و بارگذاری مطالب را در آن گروه ها متحمل می شوند و چه بسا از همکاران دیگر خبری نیست؛ از اینرو ضروری و برای امر آموزش و پرورش حیاتی است که مدرسان را به هر نحو ممکن به فعالیت و مشارکت گروهی ملزم سازد. تا از این طریق از تجربیات همکاران موفق در زمینه آموزش استفاده شود.

۴- دانش آموزان و خانواده آنها

۴-۱. ضعف بنیه علمی دانش آموزان علوم انسانی:

همانطوریکه می دانیم در موقع ثبت نام و انتخاب رشته در دوره دوم متوسطه به صورت رسمی معدل های بالا به رشته های تجربی و ریاضی فیزیک گزینش و هدایت شده و بعد از آن نوبت به انتخاب رشته علوم انسانی می رسد و مدارس معمولاً معدل های پایین را در رشته علوم انسانی ثبت نام می کنند، در حالیکه ضروری است دانش آموزان زرننگ و با معدل بالا به رشته علوم انسانی هدایت شوند چرا که یک مدیر خوب، یک جامعه شناس خوب، یک اقتصاددان خوب، یک سیاستمدار خوب و یک قاضی خوب در جامعه بیشتر نیاز است تا یک دکتر خوب و یک ریاضی دان خوب و ... با وجود این امر نباید انتظار داشت که دانش آموزان رشته علوم انسانی در درس فلسفه و منطق که از جمله دروس تخصصی و سخت دوره دوم متوسطه می باشند جایگاه عالی و خوب داشته باشند، به ویژه اینکه کتاب های فلسفه و منطق را فقط در دوره دوم متوسطه می خوانند و آشنایی قبلی با اصطلاحات آنها ندارند و این دروس با توجه به سنگینی و حجم مطالب دروس دو واحدی هستند و زمان اختصاص یافته برای هر کدام از آنها دو ساعت در هفته است. برای حل این معضل: اولاً برنامه ریزان آموزش و پرورش باید نگاه خود را به نیاز جامعه در امر آموزش و پرورش تغییر دهند و بدانند که کشور ما بیشتر از نبود مدیران و مدبران متخصص در حوزه برنامه ریزهای کلان و خرد اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و بهداشتی و ... رنج می برد. دوماً باید دروس فلسفه و منطق مثل کشورهای دیگر با توجه به نیاز اساسی جامعه به تفکر و تعقل از دوره های قبل در دروس آموزشی دانش آموزان متناسب با سن شان گنجانده شود. سوماً باید محتوا و حجم مطالب کتاب های درس فلسفه و منطق با زمان ملحوظ برای ارائه آنها در مدارس متناسب گردد و یا به مدارس امکانات داده شود که خودشان ساعات اضافی را برای تدریس این دروس اختصاص بدهند.

۴-۲. نداشتن امید به آینده از راه تحصیل

همانطوریکه می دانیم در اکثر خانواده های دانش آموزان دانش آموختگانی با مدارج بالا هستند که یا بیکارند و یا شغلی غیر مرتبط با تحصیل خود دارند؛ بعلاوه اینکه خودشان وضعیت جامعه را به هر طریقی زیر ذره بین دارند و وضعیت شغلی جامعه و راه های ورود به مشاغل مختلف را می بینند که چندان امید بخش نیست.

۴-۳. جابجای محیط آموزش از فضای حقیقی به فضای مجازی: (مهاجرت آموزش و پرورش به فضایی با حداقل و گاه نبود امکانات)

در کلاس مجازی محیط آموزش تغییر یافته و دیگر القائات محیط مدرسه و تأثیرات دوستان و دانش آموزان و همکلاسی ها در آن، وجودش کم رنگ است. محیط و دوستان و آشنایان جای خود را به محیط و دوستان دیگر داده اند که چه بسا مواردی غیر مرتبط با درس را القا می کنند. متأسفانه عدم بسترسازی های مناسب نیز در فضای مجازی - متناسب نبودن برنامه های کاربردی آموزشی با امر آموزش، کمبود امکانات در مدارس و ضعف بنیه مالی مدرسان و دانش آموزان در تهیه ابزارهای مورد نیاز و نبود فرهنگ استفاده دانش آموزان از فضای مجازی و ضعف نظارت اولیا بر فعالیت آنها، عدم آشنایی دانش آموزان و گاه مدرسان در استفاده از برنامه های کاربردی فضای مجازی، نبود اینترنت در بیشتر مناطق کشور و سرعت کم آن و ... مشکلات موجود را دوچندان و دانش آموزان را سردرگم ساخت، بطوریکه دانش آموزان بیشتری ترک تحصیل کردند.

در مورد آموزش درس فلسفه و منطق، فضای مجازی با توجه با امکانات و شرایط موجود و تراکم بیشتر دانش آموزان در یک کلاس، فضای مناسبی نیست؛ چرا که مطالب این دروس بیشتر انتزاعی و نیازمند انتقال مفاهیم از طریق روش های نوین تدریس هستند. لذا نیاز است به همراه بوجد آمدن شرایط دیگر، بستر مناسب برای آن شرایط آماده شده و تجهیزات و امکانات لازم فراهم و توانایی های لازم به عوامل مشغول در آن بستر فراهم گردد. و همچنین کلاس ها به سمت حضوری بودن بروند و الا بیشتر آسیب های موجود در فضای مجازی به قوت خود باقی است.

۴-۴. عدم حضور و یا حضور کم رنگ دانش آموزان در کلاس های درس مجازی

بسیاری از دانش آموزان به علل مختلف از جمله: «اشتغال به کار، نداشتن انگیزه ی تحصیل، نداشتن امکانات مورد نیاز برای حضور در کلاس های درس مجازی و سایر موارد حضور چندانی در کلاس های درس مجازی ندارند و یا اگر حضوری داشته باشند حضورشان در حد اعلام حضور است و مشارکت آنچنانی در کلاس درس ندارند؛ که عواملی چون عدم امکانات متناسب با تدریس در فضای مجازی و مشکلات مالی بسیاری از مدارس در تهیه و آماده سازی برنامه های کاربردی مجهز در این زمینه وعدم

آشنایی و نداشتن مهارت بیشتر دبیران در این زمینه تشدید کننده ی این امر است؛ بنابراین ضروری است اقدامات عملی برای حضور دانش آموزان در کلاس های درس، به ویژه دروس فلسفه و منطق که از دروس سخت دوره متوسطه دوم است، انجام بگیرد.

۴-۵. استرس و فشار ترس از ابتلا به بیماری کرونا

در دوره کرونا همه خانواده ها و دانش آموزان به طور مستقیم و یا غیر مستقیم درگیر این بیماری بودند لذا ترس از ابتلا به بیماری کرونا و فشار و استرس ناشی از آن از ضمن تحمیل بر دانش آموزان و خانواده آنها عامل مهمی بر افت تحصیلی دانش آموزان در سراسر دنیا به ویژه کشور ما شد و مسلماً در سال های آتی برآیند و نتایج آن را بیشتر خواهیم دید؛ بنابراین ضروری است متولیان امر با بررسی میدانی آثار ناشی از اپیدمی کرونا، با اجرای برنامه های مؤثر در کم کردن عوارض مخرب آن بکوشند.

۴-۶. مشکلات خانواده های دانش آموزان:

نابسامانی حاصل از کرونا مشکلات ناشناخته ای را موجب شد که در کل بر سیستم تدریس کشور تاثیر گذاشت. و مشکلات خانوادگی را دوچندان ساخت که به طور مستقیم و غیر مستقیم در آموزش تاثیر داشته است. (مثل کاهش درآمد خانوارها، بیماری دانش آموزان و اعضای خانواده، استرس ترس از بیماری و از دست دادن اعضای خانواده، تشدید اختلافات خانوادگی).

مشکلات خانواده (اقتصادی، اجتماعی، ...) - بنابر عللی که اینجا جای پرداختن به آنها نیست- در این اواخر خیلی زیاد شده است و طبیعتاً عوارض ناشی از آنها در مرحله اول فرزندان را نشانه می روند از جمله مشکلات اقتصادی خانواده که سبب می شود بیشتر دانش آموزان برای کمک به اقتصاد خانواده روانه بازار کار شوند و یا اگر از قبل پاره وقت کار می کردند، به علت فرصت و شرایط بوجود آمده، تمام وقت کار کنند. و یا بر روی دانش آموزانی که بخاطر تحصیل کار نمی کنند به علت نقش چشمگیر کلاس های تقویتی و کنکور در آموزش دانش آموزان- به ویژه اینکه غول های کنکور به این امر دامن می زنند- سبب شده است که خانواده های کم بضاعت از تحصیل سرخورده شده و تلاش چندانی در امر یادگیری و آموزش نداشته باشند. لذا ضروری است که مدارس چنین دانش آموزانی را شناسایی کرده و به آنها با برگزاری کلاس های تقویتی رایگان کمک نماید و برای اوقات فراغت آنها برنامه مناسب داشته باشد.

گروه فلسفه و منطق استان آذربایجان شرقی